

پیام شاهزاده رضا پهلوی

«هشدار به آقای علی خامنه ای و دست یارانشان»

اول خرداد ماه ۱۳۸۷

من نیز، همانند اکثریت قاطع هم میهنانم، دیریست که حکومت جابرانه و خودکامه شما را بر ایران عزیز و بر مردم آزاده و شریفش، از هر نوع مشروعیت قانونی و اعتبار اخلاقی بی نصیب می دانم. چه، اگر انقلاب از رهگذر مشارکت نسنجیده مردم ایران مشروعیتی داشت، با آغاز و ادامه حکومت ولایت فقیه، که شما و یارانانتان، چون بختکی سنگین برسینه ایرانیان فرود آوردید، ذره ای از آن مشروعیت بر دامن به خون و فساد آلوده شما برجای نمانده است.

اعتبار و مشروعیت هر حکومتی تنها مشروط به تبعیتش از رای شهروندان و، مهم تر از آن، منوط به لیاقتش در برآوردن خواست های برحق و آرمان های انسانی آن هاست. حکومتی که نه پاسخگوی شهروندان باشد و نه کارساز مشکلاتشان، همانقدر مشروع و معتبر است که حکومت بیگانگان در سرزمینی اشغال شده. کارنامه سیاه سی ساله ولایت فقیه، آقای خامنه ای، بی گمان معرف وجود و حضور چنین حکومتی در میهن عزیزماست.

دلایل بی اعتنائی حکومت شما به رای مردم ایران چنان بدیهی و بی شمارند که مشکل بتوان کسی را، در ایران یا در سراسر جهان، یافت که از آن بی خبر باشد. نزدیک به سی سال است که شما و دستیارانتان، با توسل به خشونت بی کران و تهدیدها و ترندهای گوناگون مجال ابراز رای و اظهار نظر آزادانه را از مردم ایران سلب کرده اید و در زندانی به پنهان سرزمین بزرگ ایران نه از مطبوعاتی که خواست ها و آرای شهروندان محروم را آزادانه بازتاب دهند نشانی برجای گذاشته اید و نه از احزاب مستقلی که بتوانند گویا و مدافع منافع و مصالح طبقات گوناگون جامعه باشند.

کارگران و کارمندان ایران که در این سال های سخت و عصبان زا متحمل بیشترین محرومیت ها شده اند نه حق تشکیل سندیکاها و انجمن های خود را داشته اند و نه حتی حق تجمع و تظاهر مسالمت آمیز در اعتراض به حکومتی که چنین مصیبت ها و محرومیت هایی بر آنان تحمیل کرده است. میلیون ها دانشجوی ایرانی، این نمایندگان واقعی ملت، این سخنگویان هشیار و فرهیخته مردم ایران، هرگاه سخنی در بیان واقعیت های تلخ زندگی خویش، در دفاع از مصلحت میهن رنجورشان، به زبان و قلم آورند پاسخ آن تحمل شکنجه و زندان و مرگ است. همین بها را سال هاست که زنان شیردل ایران، مادران و دختران محروم وطن، نیز پرداخته اند، آن هم به اتهام حق طلبی، به گناه تجاوز از حصار و حریم قرون وسطایی، به جرم تلاش برای گسیختن زنجیرهای بندگی و حقارتی که حکومت شما بر آنان تحمیل کرده است. حتی روحانیان حق طلب نیز که به نقش شما در سست کردن اعتقادات مذهبی بخش بزرگی از مردم ایران پی برده اند اگر زبان به انتقاد و اعتراض گشایند از انتقام شما مصون نمی مانند.

تنها دو نهادی را که می توانند معرف و مترجم واقعی خواست و اراده عمومی باشند، که همانا انتخابات ادواری و مجلس شورا است، به نمایشی مبتذل و فرمایشی و به ابزاری شرم آور برای فریب مردمان فرو کاسته اید. بی حضور احزاب و مطبوعات آزاد و دادگستری مستقل، مردم ایران همانقدر از انتخابات شما بهره برده اند که مردم اتحاد جماهیر شوروی سابق از انتخابات نظام استالینی.

و این جاست، آقای خامنه ای، که باید به دلیل دوم سلب کامل اعتبار و مشروعیت ولایت مطلقه فقیه پرداخت که همانا بی کفایتی مزمن شما و پیشینیانان در برآوردن حداقل نیازهای اقتصادی مردم ایران است. ابعاد وحشتناک این بی کفایتی به ویژه با توجه به درآمد سرشار سی ساله ایران از فروش نفت آشکاری شود. به سخن دیگر، نظام ولایی شما افزون بر سلب همه حقوق و آزادی های مردم ایران، و علیرغم دست یافتن به ثروتی باد آورده و عظیم، ایران آباد و بالنده آستانه انقلاب اسلامی را که رشک جوامع همسایه بود به سرایشب ورشکستگی اقتصادی کشانده و مردم کوشا و مستعدش را به مصیبت های جانکاه تورم و بیکاری روزافزون دچار کرده است. در سراسر جهان، از شمار انگشتان یک دست بیشتر نیستند حکومت هایی که شهروندان خویش را، بسان حکومت شما، هم از آزادی های اساسی بشری محروم کرده باشند و هم از حداقل حقوق مادی. عجیب نیست اگر برخی از یاران معدود شما در عرصه بین المللی، از جمله سوریه و سودان و کره شمالی، نیز در جرگه چنین حکومت هایی جای دارند.

اما، آقای خامنه‌ای، سلب حقوق و آزادی‌های مردم ایران و خم کردن پشتشان با سنگینی مشکلات روزافزون اقتصادی با همه اهمیتشان در برابر خطرها و تهدیدهایی که از سر جهل و غوغاگری متوجه امنیت و تمامیت ارضی میهن عزیز ما کرده‌اند رنگ می‌بازند. واقعیت مسلم آن است که سال‌ها پیش از تسلط شما و یارانانتان بر مسند حکومت، سودای بهره‌جویی از اهرم مذهب برای دخالت در جوامع همسایه ایران مهم‌ترین وسوسه ذهنی شما بوده است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی، که «سند سلب حقوق ملت» نامی براننده آن است، از چنین سودایی به صراحت سخن رفته.

تلاش شما برای حادثه آفرینی و مبارز طلبی برای تحریف افکار مردم ایران ریشه‌ای بس دیرینه دارد. از همان آغاز تسلط شما و یارانانتان بر مسند قدرت بود که به خوار شمردن بزرگان و قهرمانان تاریخی و تحقیر آثار گرانقدر باستانی ایران پرداختید و عناد و خصومت خویش با هویت و فرهنگ کهن ایران، یعنی شالوده‌های استوار همبستگی هزاران ساله مردمانش، را تأیید کردید. از همان آغاز بود که با درهم شکستن شیرازه‌های ارتش مجهز و مقتدر ایران و ریختن خون سردارانش، به حکومت عراق بهانه و فرصت دادید تا جسورانه بر میهن عزیز ما بتازد. از همان آغاز بود که با سرکوب اقوام گوناگون ایرانی، با تهدید و تحقیر ایرانیان پیرو مذاهبی جز تشیع، شالوده‌های دیرینه همبستگی و همزیستی میان ایرانیان را سست کردید. جنگ با عراق را، به بهای سنگین قربانی کردن صدها هزار جوان و نوجوان ایرانی و اتلاف سرمایه‌های بی‌حساب، آن هم به سودای تسلط بر عراق و رسیدن به قدس، چنان به درازا کشانیدید تا ایران قربانی تجاوز، خود در نظر جهانیان و در داوری شورای امنیت سازمان ملل متحد، همتراز متجاوزان شناخته شود. با نقض یکی از کهن‌ترین و مسلم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل به اشغال سفارت آمریکا و دستگیری و شکنجه اعضایش پرداختید، و با وادار ساختن این کشور به قطع رابطه با ایران، تنگناهای اقتصادی و سیاسی بی‌سابقه و پر هزینه‌ای برای مردم ایران به ارمغان آوردید.

با دخالت مستقیم و غیر مستقیم در امور داخلی همسایگان دور و نزدیک ایران، از جمله عراق و لبنان و فلسطین و افغانستان، و با حمایت تبلیغاتی و مالی و نظامی خود از تندروترین و خشونت‌گراترین دشمنان آزادی و همزیستی در این جوامع، نه تنها نام ایران عزیز را در جوامع بین‌المللی همتشین صفات پلیدی چون «تروریست» و «یاغی» کردید بلکه شماری بزرگ از کشورهای بزرگ و کوچک جهان را به صف دشمنانش رانیدید. اگر تا کنون ساده لوحانی در جهان نقش مستقیم حکومت شما را در آشوب‌ها و کشتارهای سرزمین‌های دور و نزدیک ایران نمی‌دیدند سخنانی که برای نخستین بار از زبان یار دیرین شما، آقای محمد خاتمی، در اعتراف بی‌پرده به این نقش جاری شد جای تردید برای کسی باقی نگذاشت.

اما، این همه نیز برای تحقق اهداف اصلی شما که منحرف کردن افکار مردم ایران، از راه تحریک دیگران به دشمنی با ایران و برافروختن آتش ستیز و جنگ، است کافی نبود. از همین رو، به بهانه دسترسی به انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز، درصد دسترسی به سلاح‌های خوفناک تری برآمده‌اید تا بار دیگر ایران را آماج تهدید و تعرض دیگران سازید. از رهگذر اصرار شما بر چنین سودایی است که امروز کشور عزیز ما با بحرانی بی‌سابقه و خطرناک روبروست؛ بحرانی که هم میهنان عزیز صلح دوست من کمترین نقشی در ایجاد آن نداشته‌اند.

مردم آگاه و دوراندیش ایران منفعت و مصلحت خویش را نه دخالت مسلحانه و موزبانه شما در سرنوشت مردم فلسطین و عراق و لبنان می‌بینند، نه در دشمنی شما با جوامع آزاد و پیشرفته جهان و نه در اصرار دیوانه‌وارتان بر دست یافتن به سلاح هسته‌ای. مردم ایران از یاد نبرده‌اند که موجبات دسترسی به فناوری و انرژی هسته‌ای، آن هم با موافقت و همکاری جامعه بین‌المللی، سال‌ها پیش از انقلاب فراهم شده بود زیرا هیچ کشوری در جهان بیمی از هدف‌ها و سیاست‌های حکومت آن روز ایران نداشت. شما و پیشینیان شما، اما، با هدف‌های تجاوز طلبانه و سیاست‌های تحریک آمیز خود نه تنها آن فضای اعتماد و تفاهم را یکسره نابود کرده‌اید بلکه با جهل و عمد اکثریت قریب به اتفاق دولت‌های جهان را از نزدیک و دور، به دشمنان ایران مبدل ساختید تا برای سرکوب هرچه بیشتر مردم آزاده ایران بهانه دیگری بیابید.

گرچه در آغاز این سخن، حکومت شما آقای خامنه‌ای و دستیارانتان را محروم از هر نوع اعتبار و مشروعیت در چشم هموطنانم خواندم، و بنابراین نمی‌بایست شما و حکومت شما را مخاطب خود سازم، اما، عشق به سرزمین پاک نیاکام و نگرانی از سرنوشت هم میهنان محروم مرا ناگزیر از آن می‌کند که به شما هشدار دهم که مسئولیت اصلی هر آسیب و خدشه‌ای که از سوی هر نیرو و قدرتی به تمامیت و یکپارچگی ایران عزیز، به هر گوشه‌ای از این سرزمین مقدس، وارد آید با شما و دستیاران شماست.

بدانید که در صورت رخ دادن فاجعه‌ای از اینگونه، سرنوشت شما و یارانانتان بهتر از سرنوشت حاکمان خودکامه‌ای که در سال‌های اخیر بر کرسی متهمان به جنایت علیه بشریت نشستند و کفوری در خور یافتند نخواهد بود. از سرنوشت آنان اگر پند نمی‌گیرید، اگر آزادی و بهروزی شهروندان ایران کمترین محلی در دل و اندیشه شما ندارد، دستکم نگران سرزمینی باشید که در آن زاده شدید. اگر امروز که می‌توانید نخواهید سر به خواست‌های ملت دهید و به دامن بخشش بی‌کرانش دست آویزید، بدانید

مسند قدرتی که چنین فرعون وار برآن تکیه زده اید در برابر عصیان روزافزون مردم ایران تاب نخواهد آورد، فرو خواهد شکست و شما را سرانجام بر کرسی پاسخ گویی به آنان برای محرومیت ها و مصیبت های سی ساله خواهد نشانند.

خداوند نگهدار ایران باد

رضا پهلوی